

چرايي و چگونگي نشست ژنو ۲  
۱۳۸۴/۱۱/۸

گزارش

۲  
ویرانه



موسسه آینده پژوهی جهان اسلام

[iiwfs.com](http://iiwfs.com)



## بسمه تعالی

# چرایی و چگونگی نشست "ژنو سه (۳)" - چشم انداز بحران سوریه

۱۳۹۴/۱۱/۸



## الف) مقدمه

در تاریخ ۲۰۱۴/۱/۲۲ (۱۳۹۲/۱۱/۳)، روز چهارشنبه نشست ژنو دو با محوریت دبیر کل سازمان ملل و چهل کشور جهان از جمله آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه، عربستان، قطر، ترکیه، آرژانتین، برزیل و... در قالب (۴۰+۱) برگزار شد. در آن مقطع جمهوری اسلامی با مخالفت برخی طرف ها از جمله آمریکا، عربستان و... حضور نداشت. دو نشست دیگر که بعد از ورود تمام قذافی در عرصه میدانی سوریه از مهر ماه ۱۳۹۴ (اواخر سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی)، با محوریت روسیه و آمریکا با حضور جمهوری اسلامی، در آبان و آذر سال جاری برگزار شد (ضمن اینکه روسیه و مصر چند نشست از معارضین غیر مسلح سوریه جهت نزدیک کردن دیدگاه ها معارضه داخلی در مسکو و قاهره در فاصله دو سال از ژنو دو تا ژنو سه برگزار کردند) قاعده ای را شکل داده بودن تا راهبرد سیاسی مجدداً فعال شود و قرار است روز جمعه مورخه ۱۳۹۴/۱۱/۹ (۲۹ ژانویه ۲۰۱۶ م) نشست ژنو سه با محوریت آقای استفان دی میستورا نماینده سازمان ملل در بحران سوریه و هیات نماینده گان دو طرف برگزار شود.

## اما فضای متمایز ژنو دو و ژنو سه عبارتند از:

۱) مذاکرات هسته ای بین جمهوری اسلامی و آمریکا در قالب برجام به سرانجام رسید.

۲. روسیه گرچه در روندهای بحران سوریه در دفاع از دولت - ملت سوریه (استقلال ، تمامیت ارضی و مقابله با تروریست های سلفی - تکفیری) با محوریت جمهوری اسلامی و حزب ا... جزء بازیگران اصلی بود اما این نقش آفرینی، حداقلی و به پشتیبانی جنگی محدود می شد. اما از مهر ماه ۱۳۹۴ بصورت میدانی و عملیاتی حضور پیدا کرد.
۳. موقعیت تروریست ها و اقدامات نظامی آنها با چالش های عدیده ای همراه شد. که قابل برشماری است. (در قالب قوت و ضعف و حتی فرصت و تهدید).
۴. اختلافات عمیق فکری ، اعتقادی ، سیاسی ، نظامی و... در ساختارهای داخلی هر یک از جریان های اراهایی وجود داشته و تضاد منافع در کشورهای که بعنوان بانیان تروریست ها نقش آفرینی می نمایند هویدا می باشد.
۵. ضعف عدیده ای در ناتو و اتحادیه اروپا مترتب است که توان نقش آفرینی میدانی را دارا نمی باشند. (ترکیه از ظرفیت ناتو توان استفاده نخواهد داشت)
۶. اهداف پنهان بانیان اصلی تروریست های سلفی - تکفیری مثل عربستان ، قطر، ترکیه ، اردن ، اسرائیل برای افکار عمومی در حال هویدا شدن است از جمله اهداف سیاسی ، اقتصادی .
۷. دولت اوپاما به اواخر عمر خودش نزدیک می شود دیگر انگیزه موثر برای پشتیبانی همه جانبه تروریست ها و بانیان منطقه ای آنها را بخاطر چالش های سیاسی نزدیک شدن به زمان انتخابات و چالش های اقتصادی دارا نمی باشد . حد اکثر زمان اقدام موثر آمریکا تا ژوین می باشد.
۸. اقدامات نظامی اراهاییون با روند کاهندگی مواجه شد و اقدامات نظامی حاکمیت به سمت هدفمندی مدیریت شد . این معادله توازن میدانی را که از یک سال اخیر تا شهریور ۱۳۹۴ به نفع تروریست ها رقم زده بود تغییر داده و به نفع حاکمیت سوریه در حال شکل گیری می باشد .
۹. برداشت عربستان ، ترکیه و اسرائیل بر این مبنا شکل گرفت که با هجمه همه جانبه به جمهوری اسلامی در این مقطع زمانی بعلت مشکلات اقتصادی و رکود، توانایی لازم را در مشروعیت بخشیدن بخش بزرگی از تروریست های مسلح در قالب تروریست خوب (معتدل) دارند.

۱۰. اقدامات شکل گرفته در فرانسه با هر هدف آشکار و پنهان که صورت گرفته باشد دولت مردان اروپایی را در دفاع پنج ساله از تروریست ها ، خلع سلاح نموده و افکار عمومی حوزه های اجتماعی و نخبه های عرصه های مختلف بازیگران موثر اروپایی مثل فرانسه ، انگلیس ، آلمان ، ایتالیا و... در قالب "ناتو" علیه دولت - ملت سوریه دیگر با دولت های خود برای سرنگونی حاکمیت سوریه با بهانه های واهی و استفاده از ابزار و روشهای نظامی همراهی و همسویی نخواهند داشت ضمن اینکه ساختارهای اطلاعاتی و امنیتی اروپا از فراوانی تروریست های با ملیت اروپایی برای منافع ملی و امنیت ملی کشور خود احساس خطر کرده و حتی وضعیت زرد و قرمز اعلان کرده اند. بعبارتی اروپا دیگر خیلی مایل نیست برای اسقاط آقای بشار اسد هزینه کند .

## ب) چرایی و چگونگی نشست ژنو ۳:

در نشست قبلی (ژنو ۲) ولید المعلم وزیر خارجه سوریه ضمن ابراز ناراحتی دولتش را از باز پس گیری دعوت از ایران ، به جای آن که ده دقیقه در روز آغاز کنفرانس سخن بگوید ، مدت ۳۴ دقیقه سخن گفت و بدون توجه به دو بار تذکر بان کی مون (در جواب به بانکیمون گفت: من از سوریه آمدم از درد مردم سوریه می گویم) منطق دولت رفتاری دولت سوریه در سه سال گذشته را توضیح داد و جان کری وزیر خارجه آمریکا را مورد خطاب قرار داد و گفت که شما نمی توانید از سوی مردم سوریه تصمیم بگیری و هیچکس نمی تواند مشروعیت رئیس جمهور سوریه را ساقط کند. پس از خطابه های روز اول کنفرانس، این مذاکرات در چهارچوب مذاکرات مستقیم دو طرف سوری در مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو ادامه یافت ب.

سختی برگزاری مذاکرات مستقیم برای تیم احمد جربا که خود را نماینده مخالفان نظام می دانست ، سخت تر از نمایندگان نظام است زیرا جربا تا یک هفته پیش از برگزاری، کنفرانس ژنو ۲ را خروج از راه حل بحران می دانست چرا که به گفته او نظام سوریه اصلا مشروعیتی ندارد که با نمایندگانش پشت یک میز بنشیند و از همه مهمتر پس از آن که از این ادعا عقب نشینی کرد، اعلام نمود که شرط حضور مخالفان در مذاکرات پذیرش پیش شرط رفتن بشار اسد از صحنه سیاسی سوریه است و پا را فراتر از این گذاشت و اعلام کرد که ما خروج آمن او و خانواده اش را نیز در گفتگو با قدرت های بین المللی تضمین می کنیم. حالا او نه ادعای اولش را در جیب دارد و نه پیش شرطش تحقق نیافته و اکنون قرار است نمایندگان ائتلاف مخالفان در باره راه حل سیاسی بحران با رئیس هیئت سوری ای گفتگو کنند که رئیس جمهورش بشار اسد است. روشن است که کار تیم احمد الجربا از ولید المعلم سخت تر بوده است .



اما در مقابل نظام سوریه بیش از یکسال است که سخن از گفتگوی مستقیم می زند و حتی تاکید داشته و دارد این گفتگوها نه در خارج از سوریه که باید در دمشق برگزار شود و بارها اعلام کرده است که تضمین جان و بازگشت همه هیئت های مخالف را می نماید. این تضمین شاید پاسخ به احمد الجربا بود که پیشتر از خروج آمن رئیس جمهور سوریه و خانواده اش از کشور سخن گفته بود.

این همه در حالی است که نظام سوریه ی پیش از ژنو ۲ به مراتب قوی تر از نظام سوریه ی پیش از ژنو ۱ است. بیست ماه پیش و قبل از آن که ژنو ۱ برگزار شود برخی از دولت های اروپایی، آمریکا، عربستان، قطر، رژیم صهیونیستی و ترکیه منتظر سقوط نظام در مدت زمانی دوماهه بودند. اما همه این ادعاها به دیوار استقامت و مقاومت ارتش سوریه و نیروهای حامی نظام برخورد کرد بود به گونه ای که برخی از این دولت ها مجبور شدند در اداره اطلاعاتی و امنیتی خود در برابر تحولات سوریه تجدید نظر کنند مثل عربستان که بندر بن سلطان را از سمت خود عزل کرده بود.

احمد الجربا در ژنو ۱ نه تنها حضور نداشت که اصولا در بین هیچ یک از نیروهای مخالف نظام نه اسمی داشت و نه رسمی اما حالا باید گروه مذاکره کننده اش در مقابل هیئتی از نظام سوریه بنشیند که سیطره اش بر اوضاع از آن روز به مراتب بیشتر است. در مقابل، جبهه مخالفان نظام سوریه در تفرقه ای شدید به سر می برند چه آنهایی که در ریاض، استانبول و پاریس به سر می برند و چه آنهایی که مشغول جنگ در داخل هستند.

از سویی دیگر باید دید دست کدام طرف پرتر است، ولید المعلم یا ائتلاف مخالفان به ریاست احمد الجربا. الجربا که هنوز اول راه دیپلماسی است به خوبی می داند که سایه توافق روسیه و آمریکا بالای سر مذاکرات و تولد کنفرانس ژنو ۲ است. دلیل واضح آن مذاکرات روبرت فورد سفیر آمریکا در دمشق (که ماه ها است از خارج دمشق بخشی از تولید بحران نظامی را در سوریه هدایت می کند) با ائتلاف مخالفان در استانبول است که آنها را وادار کرد تا به رغم تلاش های سعودی در کنفرانس حاضر شوند.

تیم مذاکره کننده مخالفان سوری نه تنها در بین قدرت های بین المللی تاثیر گذاری ندارند بلکه حتی در بین مجموعه های مخالف نظام سوریه هم تبدیل به جریانی ضعیف شده اند. همه قامت و اندازه کنونی ائتلاف تحت ریاست احمد الجربا به سعودی بستگی دارد و اگر آن چنانکه برخی از نزدیکان به اداره سیاسی آمریکا می گویند تحولی قریب الوقوع در سعودی رخ دهد آنگاه احمد الجربا بی درنگ و بی هیچ وقفه ای باید جای خود را به فرد دیگری واگذار کند.

لذا احمد الجربا وزنه ای سنگین در مذاکرات مستقیم نظام و هیئت مخالفان نظام سوریه به شمار نمی رود. همین اتفاق با مرگ ملک عبدالله در سعودی اتفاق افتاد و این مرحله در ژنو ۳ ریاض حجاب و طیف دیگر قرار است در مذاکرات ۹ بهمن نود چهار در ژنو شرکت کنند و ریاست هیات معارضین را اسعد زعبی و محمد علوش با سابقه جنگ از جریان اخوانی سوریه عهده دار باشند این راهبرد نیاز عربستان است. در واقع تیم جوان، کم تجربه و ذوق زده از قدرت ملک سلمان متمایز از تیم ملک عبدالله با سیاست و با تجربه عمل می نمایند.

امریکا ضمن اینکه جمهوری اسلامی را دور زد، با محور قرار دادن عربستان و مدیریت میدانی عربستان بخشی از تروریست های مسلح مثل جیش الاسلام و... را بعنوان تروریسم خوب، مسئول مذاکره با نماینده گان دولت سوریه کرد تا از ظرفیت اخوانی های سوریه در این مرحله جهت اسقاط آقای بشار اسد استفاده کند. البته بعد رسیدن به هدف، اسقاط اخوانی های سوریه را مثل اخوانی های مصر و آقای مرسی (بعد مدیریت نهضت بیداری اسلامی) رقم خواهد زد.

آنچه فعلا مهم است این است که اختلاف میان گروههای مخالف سوریه بر سر انتخاب اعضای هیات مذاکره کننده به سبب تعدد طرف های بین المللی و منطقه ای حامی آنها، شدیدتر شده است؛ تاجاییکه منجر به تعویق آن شد و ممکن است گفتگوها را قبل از آغاز با احتمال شکست روبرو کند.

برای نشست ژنو ۳، حکومت سوریه آقای بشار جعفری نماینده سوریه در سازمان ملل را به عنوان رئیس هیات اعزامی دمشق و فیصل مقداد معاون وزیر خارجه به عنوان ناظر عمومی شرکت کننده در مذاکرات ژنو به عنوان نشانه ای از بازنگری سوری ها در انتظارات، اهداف و یا نگاهشان به این مذاکرات یاد کرد.

آنچه که جلب توجه می کند آن است که این امر نوعی کاهش سطح هیات مذاکره کننده سوری در مقایسه با دور دوم مذاکرات ژنو به شمار می آید که ولید معلم وزیر خارجه سوریه ریاست هیات را به عهده داشت.

اما "دولت موازی" به ریاست ریاض حجاب نخست وزیر جدا شده از دولت سوریه که از سوی عربستان حمایت می شود و مقر آن در ریاض پایتخت عربستان است، ریاست هیات مذاکره کننده خود را به اسعد زعبی یکی از فرماندهان نظامی واگذار کرد؛ همچنین محمد علوش و وارث زهران



علوش سرکرده جیش الاسلام یک فرد نظامی را به عنوان مذاکره کننده ارشد انتخاب کرد؛ نخستین تصمیم این "دولت" تهدید به تحریم مذاکرات است، در صورتی که عضوی دیگر به هیات مذاکره کننده افزوده شود؛ بدین معنا که یا باید این هیات به همان شکلی که هست پذیرفته شود و به مشروعیت آن اقرار گردد و یا اینکه از مشارکت در مذاکرات خودداری می کند؛ این موضع، بنا به نظر بسیاری، با رویکرد همزیستی دموکراتیک که باید از بارزترین اصول مخالفان و ارزشهای آنها باشد، مغایرت دارد.

این موضع گیری غیرقابل انعطاف، استفان دی میستورا فرستاده سازمان ملل در امور سوریه را واداشت تا خارج از چارچوب دیپلماتیک خود، عربستان را به مانع تراشی در مسیر مذاکرات ژنو متهم کند. همچنین سبب شد تا روسیه نیز پیشنهاد دهد هیاتی به عنوان مخالفان مورد حمایت ریاض و هیات دیگری متشکل از گروههایی که نشست ریاض دور نگاه داشته شدند و یا آن را تحریم کردند به ژنو اعزام شوند. راه حل دیگر تشکیل هیاتی مشترک از گروههای مذکور با نظارت دی میستورا فرستاده سازمان ملل است.

پیچ و خم های بی پایان، اختلافات بی سرانجام و اصرار عربستان بر هیات مذاکره کننده ریاض که حمایت ترکیه و قطر را نیز با خود دارد، اکنون خود را در جایگاهی قرارداد داده که درباره مشروعیت داشتن یا نداشتن گروههای مخالف سوری اظهار نظری کند. این هیات می گوید با حضور حزب "اتحاد دموکراتیک کرد" به ریاست صالح مسلم به بهانه نزدیکی به نظام سوریه در مذاکرات ژنو مخالف است؛ همچنین حضور "قدری جمیل" از مخالفان داخل را به همین دلیل و نیز نزدیکی به مسکو و تو می کند و بالاخره مشارکت هیثم مناع رییس جریان قمع را به رغم آنکه به نشست ریاض دعوت شده بود، در ژنو نمی پذیرد. هیثم مناع نشست ریاض را به سبب مشارکت گروههای تروریستی که در قتل و خونریزی مردم سوریه دست داشتند، تحریم کرده بود.

در سمت دیگر ماجرا؛ روس ها، دولت سوریه و هیثم مناع به نوبه خود حضور جنایتکاران جنگی مانند محمد علوش را در هیچ هیات مذاکره کننده ای نمی پذیرند؛ زیرا جیش الاسلام دست به قتل و کشتار و گلوله باران ملت سوریه زده است؛ این در حالی است که کمیته هماهنگی در هیات

مذاکره کننده که از حمایت عربستان برخوردار است، نسبت به انتخاب رییس هیات و مذاکره کننده ارشد از میان مخالفان مسلح اعتراض دارد.

جبهه مخالف دیگری نیز وجود دارد که از دیگر گروهها قوی تر به نظر می آید. این گروه، جبهه النصره به ریاست ابومحمد جولانی شاخه رسمی القاعده در سوریه است؛ النصره با خیانتکار خواندن تمام شرکت کنندگان در نشست ریاض، آنها را تهدید به ترور کرد. داعش که یک سوم سوریه و شاید بیشتر از آن را در اختیار دارد، تمام مساله را نادیده گرفته است گویی که این حوادث به آن ارتباطی ندارد حتی ارزش محکومیت و یا اتهام به خیانت را نیز ندارد و شاید گسترش حضور خود در لیبی و تلاش برای تسلط بر هلال نفتی در شهرهای راس لانوف و بریقه و زویتیه را در راس اولویت های خود قرار داده است.

کنفرانس ژنو خواه در تاریخ تعیین شده برگزار گردد و یا اینکه دو یا سه روز و یا حتی یک ماه به تعویق بیفتد، در واقع تلاشی از سوی قدرت های بزرگ برای به دست آوردن زمان بیشتر و سرگرم کردن طرف های سوری است، زیرا تمام طرف های منطقه ای و بین المللی توافق نظر دارند که راه حل سیاسی همچنان دور است و مساله اصلی نحوه اداره بحران سوریه و نه حل آن است.

نکته عجیب آنکه درخواست های برخی گروههای معارض سوریه و قدرت های حامی آنها که در طول ۵ سال همچنان حاکم مانده بود، اینک از مخالفت با ماندن بشار اسد در قدرت به مخالفت با مشارکت برخی معارضان دیگر در مذاکراتی با دولت همان رییس جمهوری و هیاتش، تغییر کرد.

پیش از این هر طرفی که از مذاکره با نظام سوریه و رییس جمهورش سخن می گفت و یا به آن اشاره می کرد، خائن قلمداد می شد که باید محاکمه شود و مجازات اعدام علیه او صادر می شد؛ اما امروز درخواست ها و اولویتها و نیز ادبیات و مواضع نیز بنا به دیکته های طرف های حامی، خواه آمریکایی باشد یا روسی، تغییر پیدا کرده است. اینک گروهها و جبهه ها و شخصتهای سوری برای عضویت در هیات مذاکره کننده با نظام سوریه با یکدیگر رقابت می کنند.

اغلب این طرف ها و شاید همه آنها تاکید می کنند که راه حل سیاسی تنها برون رفت از بحران سوریه است؛ درحالی که اغلب و یا تمام آنها راه حل نظامی را در پیش گرفته اند، راه حلی که پس



از نشستن گرد و خاک رویارویی‌ها، در نهایت نقشه‌ها را مشخص خواهد کرد. سکوت عادل جبير وزير خارجه سعودي در اين روزها و تکرار نکردن جمله آهنگين مورد علاقه اش مبنی بر "کناره گیری اسد خواه با جنگ و یا به صورت مسالمت آمیز"، از مسایل بسیاری حکایت دارد.

طبیعی است، به دنبال انتخاب شخصیت تروریستی تکفیری همچون «محمد علوش» به عنوان یکی از مذاکره کنندگان ارشد هیات نمایندگان معارضان سوری، ژنو ۳ و به طور کلی روند سیاسی بحران سوریه با احتمال شکست مواجه شود.

دمشق هیچ‌گاه مذاکره با چنین افرادی را نخواهد پذیرفت و تن دادن به چنین مذاکراتی را مشروعیت بخشیدن به تروریسم در سوریه تلقی خواهد کرد، لذا نشستن مسئول سیاسی گروه تروریستی «جیش الاسلام» پای میز مذاکره به معنای به رسمیت شناختن مشروعیت این گروه و مبارزه آن علیه دولت و ملت سوریه است.

این درحالی است که پیشنهاد «جان کری»، وزیر خارجه آمریکا مبنی بر برگزاری مذاکرات غیر مستقیم بین طرف‌های سوری را هم نمی‌توان راه حلی منطقی شمرد. چون در اینجا سخن از سرنوشت کشوری است که تمام کشورهای جهان به خطری که آن را تهدید می‌کند و اینکه این خطر تنها متوجه سوری‌ها نیست، بلکه تهدید کننده جامعه جهانی است. به خصوص که امروز شاهد هستیم داعش این قدرت را یافته تا عمق اروپای غربی نیز نفوذ کند و مستقیماً حملاتی را علیه اروپایی‌ها انجام دهد. بنابراین چشم‌پوشی اروپایی‌ها از این خطر نتایج غیر قابل جبرانی برای آنها در پی خواهد داشت.

در عین حال نمی‌توان، از دخالت‌های فتنه انگیزانه آل سعود در نقاط مختلف به راحتی گذشت، انتصاب محمد علوش به عنوان مذاکره کننده ارشد هیات معارضان تاکید می‌کند، عربستان همچنان بر گزینه مسلحانه و نادیده گرفتن معارضان داخلی و قرار دادن تمام معارضان در چارچوب مورد نظر خود پافشاری می‌کند، چارچوبی که اندیشه‌های سیاسی و اعتقادی اخوانی بر آن حاکم است.

گویی ریاض نمی خواهد، به تجربه ناکام به قدرت رسیدن اخوان المسلمین در مصر توجه کند و اینکه خود یکی از عوامل براندازی این حکومت در مصر بود و هم اکنون با توجه به شرایط حاکم بر ملل جهان عرب، این ملت‌ها آمادگی پذیرش حکومتی اخوانی را ندارند.

پافشاری عربستان سعودی در این برهه زمانی بر تشکیل حکومتی اخوانی نه به خاطر حل اختلافاتش با این جماعت و کنار نهادن دشمنی‌هایش با آن صورت می‌گیرد، بلکه تنها به این دلیل است که آل سعود هم اکنون توسل به این حربه را کارآمدترین ابزار برای ایجاد شکاف بین اعضای محور مقاومت ملاحظه می‌کنند.

طبیعی است که واکنش دمشق به انتخاب محمد علوش به عنوان مذاکره کننده ارشد معارضان سوری عدم حضور در ژنو ۳ باشد، به ویژه اینکه در حال حاضر ارتش سوریه در ۱۰ جبهه عملیاتی در حال پیشروی است و موفق شده معادلات میدانی را به سود خود تغییر دهند.

در چنین شرایطی دمشق نیازی به برگزاری چنین مذاکراتی احساس نمی‌کند و همچنان بر این گفته خود تاکید می‌کند که آنچه در میدان نبرد به دست نیاید، بدون تردید پای میز مذاکره به دست نخواهد آمد.

بر این اساس میدان نبرد تعیین کننده سرنوشت دولت، ارتش و مردم سوریه از یک سو و گروه‌های تروریستی و حامیان آنها از سوی دیگر خواهد بود و از این حیث نمی‌توان امیدی به ژنو ۳ داشت و برگزاری یا عدم برگزاری آن تاثیری بر روند بحران جاری در سوریه نخواهد داشت.

## ج) چشم انداز نشست "ژنو سه" برای حاکمیت سوریه و همسویان آن

### ۱- مثبت

۱،۱. استحکام، اعتماد به نفس و انسجام عرصه های نظامی، اطلاعاتی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کلیت نظام و همسویان آن منتج به پیروزی های ارزشمند میدانی گردد و راهبرد حریف در اسقاط نظام تا این مقطع با اقدامات خشن گروهایی اراهایی همسو با امریکا منتج به نتیجه نشد.



- ۱,۲. روند تثبیت جغرافیای میدانی استانها به نفع حاکمیت .
- ۱,۳. روند منفک شدن حوزه های اجتماعی و امتدادهای مردمی از گروه های اربابی و متمایل شدن به حاکمیت بشار اسد می باشد .
- ۱,۴. شکل گیری مقاومت مردمی و اجتماعی با عنوان دفاع الوطنی و جهاد البناء هم در بعد نظامی هم در عرصه های دیگر از جمله اقتصادی و فرهنگی یک دست آورد بزرگ می باشد.
- ۱,۵. ایجاد مساله ، پریشانی ، تردید و عدم قطعیت های متعدد در دولت – ملت های حامی گروه های اربابی و سخت شدن متقاعد کردن افکار عمومی ملی ، منطقه ای و بین المللی هر یک از حاکمیت های بانی تروریست ها مثل ترکیه ، عربستان ، قطر ، اردن و... در حمایت از آن که منطقی در اقدامات ضد انسانی شان مشاهده نمی شود .
- ۱,۶. آشکار شدن نقش منفی صهیونیسم بین الملل در ایجاد چالش برای مجموعه ارزشمند جهان اسلام و بیداری اسلامی و منحرف کردن منظومه نهضت بیداری اسلامی با شکل دهی بحران ساختگی سوریه و شعله ور کردن جنگ مذاهب و اقوام درون تمدن اسلامی که منتج به تامین منافع امریکا شود.
- ۱,۷. بروز و ظهور اختلافات ذاتی بین گروه های اربابی همسو با غرب ، عربستان و ترکیه و ادامه روند اقدامات سخت افزاری بین آنها بعنوان یک قوت اساسی برای حاکمیت سوریه در بوجود آوردن زمینه تسخیر سرزمینی و منتج شدن آن به تعاقب و پیروزی تمام عیار علیه تروریست ها رقم بخورد.
- ۱,۸. همراه و همسو نبودن دخالت های منفعت طلبانه و هدفمند امریکا و همسویان آن در سوریه بر اساس حقوق ، عرف ، رویه ، قاعده ، اخلاق ، معیارهای انسانی بین الملل و تضاد اساسی اقدامات آنها با آزادی ، دموکراسی و حقوق بشر مورد عنایت غرب و سقوط تمام خاکریز های دروغینی که با بحران ساختگی سوریه برای خود مهیا کرده بودن.
- ۱,۹. پیشدستی دموکراسی سازی حاکمیت سوریه و ایجاد فضای باز سیاسی ، رسانه ای و اجتماعی می تواند علیه دولت های همسوی امریکا در منطقه منجر شود بخصوص پادشاهان و رئیس جمهورهای خودکامه منطقه عربی از جمله عربستان .

- ۱,۱۰. مدیریت حاکمیت سوریه بر اقدامات عرصه های اقتصادی و اجتماعی با حداقل امکانات و مقدرات بصورت نسبی می تواند در تثبیت حاکمیت موثر باشد.
- ۱,۱۱. مورد تهدید قرار گرفتن امنیت حاکمیت های بانیان تروریست ها از جمله دولت - ملت های اروپایی حامی تروریست ها توسط تروریست های تربیت شده از جوانان حوزه های اجتماعی و امتدادهای مردمی خود این کشور ها با مبانی و اصول سلفی گری ، تکفیری که این اراهیون دیگر از منطقه اسلامی و عربی نیستن بلکه از فرزندان نژاد و اقوام اروپایی هستند که تمام قوانین کنترل امنیتی کشورهای اروپائیا علیه مهاجرین و تابعیت اروپایی دارند است نه نسبت به اقوام کشور خودشان و شرایط را برایشان مشکل کرد.
- ۱,۱۲. عدم استدلال قاطع در ادامه تسلیح تروریستها توسط امریکا و سایر همسویان عامل همراه بودن آنها در جنایت جنگی علیه بشریت تلقی شدن و امکان محاکمه آنها متصور می باشد.
- ۱,۱۳. اختلاف عمیق در بین تروریستهای میدانی و معاندین خارج از کشور همسو با امریکا علیه حاکمیت سوریه .
- ۱,۱۴. قلیل بودن معاندین خارج از کشور علیه حاکمیت سوریه .
- ۱,۱۵. مقاومت دست دراز حاکمیت سوریه می باشد و هیچ عاملی نباید در مقاومت کاهندگی ایجاد نماید و مقاومت تعیین کننده آینده زمین بازی سوریه می باشد .

## د) ملاحظات و بایسته های ضروری

- ۱,۱. تمام اقدامات دولت - ملت سوریه و حامیانها آنها در تمام عرصه ها باید هم افزایی برای میدان نبرد ، عملیات و مقاومت ایجاد نماید و گرنه اقدامات حفظ و تثبیت نظام سوریه را با چالش مواجه می نماید و این مهم باید دقیقا رصد شود تا لغزش و انحرافی بخاطر ضعف یا توسط راهبرد حریف بر روند های مقاومت حداکثری مترتب نشود .

- ۱,۲. حاکمیت سوریه و همسویان آن از تمام ظرفیت دیپلماسی عمومی، رسانه ای، اجتماعی و امتدادهای مردمی، ملی، منطقه ای و بین المللی در جهت تبیین مقاومت علیه تروریستها و مداخله بیگانگان در روندهای یک دولت - ملت مستقل هدفمند استفاده نمایند.
- ۱,۳. جلوگیری از دامن زدن معاندین و بانیان آنها از تبدیل بحران سوریه آن به جنگ شیعه و سنی یا اقوام و طوایف در منطقه جهت حذف توان مقاومت و حاکمیت سوریه.

## ۵) نتایج احتمالی نشست "ژنوسه" بر روندهای بحران سوریه:

۱. راهبرد سیاسی منسجم از سوی امریکا و همسویان آن و معاندین مطرح نگردید و بر روندهای جریان معاندین عدم قطعیت های عدیده ای حاکم بود. به همین دلیل نتوانستند افکار عمومی دنیا را بر اسقاط حاکمیت سوریه متقاعد نمایند. بر عکس حاکمیت سوریه با تیم منسجم سیاسی و مواضع باثبات در طی پنج سال گذشته هم اکنون از وضعیت بهتری چه در کیدان و چه در افکار عکومی نسبت به قبل برخوردار است.
۲. اهداف معاندین در گسترش مجدد بر جغرافیای تثبیت شده استراتژیک و حیاتی سوریه با بهانه آتش بس برای کمک رسانی بشردوستانه و استقرار نیروهای نیرهای حافظ صلح به نیابت از ساختارهای نظامی و امنیتی امریکا و همسویان آن و برگرداندن قوت حاکمیت سوریه یعنی ارتش به پادگانها و بی دفاع گذاشتن مردم و جغرافیای شهرها در مقابل تعرض گروههای اراهایی محقق نخواهد شد. بنا بر این منطقه حائل جهت تثبیت جغرافیایی اشغال شده در اختیار معاندین بعنوان یک امتیاز جهت تشکیل دولت انتقالی همچون مدل های قبل امریکا در منطقه عربی با بهانه بین المللی محقق نخواهد شد و حاکمیت سوریه مانعی در روند آزاد سازی جغرافیای اشغالی خود ندارد.
۳. هیچ گامی در جهت حذف بشار اسد در شکل گیری دولت جدید و تشکیل دولت انتقالی بدون نقش داشتن حاکمیت فعلی در جهت قاعده های تحمیلی با استفاده از ابزارهای بین المللی بخاطر ضعف عدیده تروریست ها و بانیان آنها و احساس خطر عمیق حامیان گروههای اراهایی و تفرقه حداکثری آنها در صحنه میدانی و تضاد منافع اراهیون با محوریت امریکا و عربستان، ترکیه شکل امکان نخواهد یافت.
۴. تصمیمات قاطع اجرایی برای اسرای، زندانیان، مجروحین، محاصره شده گان، کمک رسانی، امداد رسانی، تکالیف الزامی برای طرفین بحران اتخاذ نخواهد شد.

## ۵) سناریوهای محتمل نشست ژنو ۳:

۱. سناریوی اول؛ نشست "ژنو سه" خروجی نداشته باشد، نیت آشکار و پنهان بازیگران موثر ادامه روندهای موجود برای طرفین منازعه جهت محقق شدن ظرفیت و قابلیت جدید برای شکل دهی سناریوی مورد نظر خودشان می باشند.
۲. سناریوی دوم؛ حذف حاکمیت سوریه با تمام ساختار و سازوکارهای آن در روندهای سیاسی پیش روی و تشکیل دولت انتقالی جهت شکل دهی دولت - ملت جدید باشد، (بعبارتی دولت سازی قبل امنیت سازی).
۳. سناریوی سوم؛ سهیم کردن حاکمیت سوریه "در قالب دولت آشتی ملی" در روندهای سیاسی و شکل دهی دولت آینده، با این ملاحظه که اقدامات دولت انتقالی برای استقرار دولت جدید را حاکمیت بشار اسد به سر انجام برساند. مقدمه این اقدام اعلان آتش بش و پذیرش آن توسط دولت و با این بهانه بدنبال مشروعیت و مقبولیت بخشیدن اربابان با عناوین غیر داعش و جبهه النصره و... (این ایده را عربستان با ظرفیت اخوانی ها با مدل مرسی در مصر قرار است به سرانجام برساند).

دکتر سید موسوی

استاد دانشگاه و عضو هیات علمی موسسه آینده پژوهی جهان اسلام